



آشنا یک معلم یادی از

پرویز دهداری



مقدمه

آنچه در ادامه مطالعه می‌فرمایید، متن سخنرانی دکتر عباسعلی گاثینی در مراسم نکوداشت یکی از معلمان و مربیان با اخلاق جامعه ورزشی کشور، یعنی مرحوم پرویز دهداری است؛ فردی که تلاش و اخلاق، کسب اول و آخر او و شاگردانش بود. تصویر مثبت، شخصیت بارز و پایبندی به اصول، مهارت ارتباطی، سرسختی و قاطعیت ذهنی و فکری برای پایداری در جبران مساقات، دست‌کم نگرفتن نقش مربی و اعتماد به نفس، از جمله اصول و فلسفه کاری این مربی با اخلاق بود.

سخن را با درود و سلام بر خاتم پیامبران آغاز می‌کنم که حکمت‌های ماندگارش، بشر را هدایت می‌کند. درود و سلام بر پیشوای جوانمردان، علی مرتضی (ع) که مقتدای ورزشکاران و همه جویندگان علم و ادب، و زهد و پارسایی است. درود و سلام بر مصلحان بشری؛ کسانی که در کسوت‌های گوناگون، باران اصالت، شرف و عزت را بر سر آدمیان فرو می‌ریزند.

درود بر برپاکندگان این همایش که به مناسبت نکوداشت مرد بزرگی از جامعه ورزش، مرحوم پرویز دهداری، به پاسداشت اخلاق و نیکویی در جامعه، به ویژه جامعه ورزش همت گماشته‌اند. این روش را باید گرامی داشت تا ورزش از اصالت‌های انسانی و اخلاقی دور نیفتد. مرحوم دهداری اگر نه بیشتر از مرحوم تختی، بلکه به اندازه وی برای تربیت فنی، تهذیب اخلاقی و رفتارهای پسندیده ایشان، زبانزد همه کسانی است که از نزدیک با ایشان در تماس بوده‌اند. مرحوم دهداری، علاوه بر حضور جدی در صحنه ورزش کشور، به عنوان یک ورزشکار با اخلاق در کسوت مربیگری نیز به پرورش شاگردانی پرداخته که برای آن‌ها به منزله پدر دوم بوده

**رفتار دهداری
هنگام
مربیگری،
ناشی از
اندیشه قوی
او مثل سایر
مربیان نام آور
دنیا بود**

وجود دهداری، نمایشی عملی داشته است. غم دیگران را خوردن، رفتار یکسان با همگان، پرهیز از زرق و برق، ساده و بی‌آلایش بودن، رفتار مناسب با دشمنان، اول دیگران و سپس خودی‌ها، ایجاد روحیه اتکا به خود در دیگران (استقلال بخشی) و صبور بودن و رفتار پدران، از بارزترین رفتارهایی است که او را با دیگران پیوندی ابدی می‌داد.

در واقع، این فلسفه انسان‌های بزرگ است که تنها به وظیفه خود عمل می‌کنند؛ حتی با وجود تبعات شخصی، موانع، خطرات موجود و فشارهایی که به آن‌ها وارد می‌شود و این است بنیان اخلاقیات انسانی.

رفتار بر این اصول به خودسازی فراوانی نیاز دارد که کم‌تر کسی از عهده آن برمی‌آید. کسانی که در این وادی گام می‌گذارند، بر این باورند که باید پیشاپیش و به هرکسی که شد، نیکی کرد. انسان‌هایی که با این اندیشه زیسته‌اند، معتقدند: «اغلب نمی‌توانیم زحمات همه کسانی را که به ما لطف می‌کنند، به موقع و برای خودشان جبران کنیم. بنابراین، باید از پیش به دیگران کمک کنیم.»

آن‌ها بر این باورند که: «نیکی دیگران به ما حتمی است، نباید منتظر وقوع آن و جبران‌ش نشست.» شاید بتوان فلسفه رفتار این انسان‌های پاک سرشت و متعهدان اجتماعی را که در میان مربیان ورزش دنیا زیاد شده‌اند، در شعر معروف «درام گول» یافت:

«جهان‌دیده مردی از راهی تنگ و تاریک می‌گذشت

شب سرد و تیره بود

به شکافی رسید بس وسیع، با شبی تند

و آب نیز پشت در پشت، روان و سرد و خیره بود

...

دوست من، شاید این ره کوره‌ای که من امشب فرو

شدم

فردا، به روز یا شبی، دیگری رسید

من این شکاف خود نگرفتم به هیچ، لیک

بر نوجوان پس از من، چه دره‌ای است

است. سختگیری ایشان در برخورد با تاهنجاری‌ها و الفت و انس وی با ورزشکاران در خارج از میدان ورزشی، نشان از عزم ایشان برای ترویج روابط مثبت انسانی در محیط‌های ورزشی است. احساس مسئولیت وی برای پیشرفت فنی در فوتبال و موفقیت آن‌ها در زندگی شخصی، فراتر از مسئولیت‌های مربیگری بود.

رفتار دهداری هنگام مربیگری، ناشی از اندیشه قوی او مثل سایر مربیان نام‌آور دنیا بود که ابتدا پرورش ورزشکاران و سپس پیروزی تیم را مدنظر قرار می‌داد. برای روشن شدن این موضوع گوشه‌هایی از گفته‌های دیگران را می‌آوریم:

همسر مرحوم دهداری:

«پرویز هیچ‌گاه با صدای بلند صحبت نمی‌کرد، همیشه غمخوار مظلومان بود. او مخالف تبعیض بود. از تجمعات پرهیز می‌کرد و به زندگی ساده و بی‌آلایش اعتقاد داشت. با دشمنان خود به مانند عزیزترین فرد برخورد می‌کرد.»

دختر مرحوم دهداری:

«پدرم، زندگی خود را فدای مردم کرده بود. او می‌گفت: اول بچه‌های مردم، سپس شما.»
دکتر خیبری (از شاگردان مرحوم):

«یکی از کارهای مرحوم دهداری این بود که بازیکنان را امتکی به خود بار می‌آورد. او در این زمینه صبر و حوصله عجیبی داشت و به قدری زمزمه و نصیحت پدران به گوششان می‌خواند که آن‌ها را به فکر درباره آینده‌شان و می‌داشت.»

جعفر کاشانی (از شاگردان مرحوم):

«تلاش و اخلاق، کلام اول و آخر او به شاگردانش

بود.»

این‌ها نمونه‌هایی از هزاران شاخصی هستند که در



باید که او به سلامت گذر کند
باید عزیز من، این جا درنگ کرد،
باید برای معبر دیگر کسان، روزانه یا به شب
پلی بسازم و آنگاه بگذرم^۱

یکی از مربیان بزرگ ورزش در دنیا، فلسفه مربیگری خود را بر همین مبنا بنا نهاده و اعلام کرده است: «در قاموس طبیعت، نمی توانیم به آن هایی که به ما منفعتی رسانده اند، خدمتی کنیم. به ندرت چنین اتفاقی می افتد. در حالی که درست آن است، آنچه را از کسی دریافت می کنیم، جبران کنیم؛ خطبه به خط، کار به کار».

بدون اغراق، کردار و رفتار دهداری به ویژه نقش وی در بعد اخلاقی را می توان با مربیان ورزش ممتاز دنیا مقایسه کرد. او به دلیل آموزه های مذهبی و تأسی اش به مولای متقیان علی (ع) در برخی موارد از دیگران سرآمدتر است. اما زندگی دیگر مربیان و شرح خدماتشان پوشیده نمانده است، زیرا یاران، همراهان، دوستان و شاگردانشان، آن ها را بیان کرده اند، در حالی که زندگی، شخصیت و وارستگی دهداری همچنان مکتوم مانده است.

برابر دست نوشته های به جا مانده از مرحوم دهداری که بخش کمی از آن ها هم اکنون نزد شاگردانش است، وی به شدت نگران درس، تحصیل و مرام اخلاقی شاگردانش بوده است. وی به درستی پی برده بود که: «رمز اصلی مربی بزرگی بودن، فوتبالیست بزرگی داشتن است».

از همین رو، آستین همت را بالا زد و زندگی تحصیلی شاگردانش را تعقیب کرد و در زمان برخورد با مشکلات تحصیلی، از هیچ گونه اقدامی برای حل آن ها فروگذار نکرد. وی همراهی بازیکنانش را بزرگ ترین وظیفه اخلاقی خود می دانست و در کنار شوق به پیروزی در هر میدان ورزشی، از این نکته نیز غافل نبود که «پیروزی برای ما» ارزشمند است و نه «پیروزی برای من».

همراهی های دهداری با شاگردانش، انسان را به یاد یکی از مربیان بزرگ دنیا، وودی هیز می اندازد. درباره وی گفته اند: او بازیکنانش را فقط سر کلاس نمی فرستاد، بلکه با آنان به کلاس می رفت و بر تحصیلشان نظارت می کرد. یکی از بازیکنان سابق وودی که از جراحان مشهور مغز و اعصاب دنیا شد، اندکی پس از ورود به دانشکده پزشکی دانشگاه خود، برای وودی نوشت که قصد دارد

همراهی های
دهداری با
شاگردانش،
انسان را به یاد
یکی از مربیان
بزرگ دنیا،
وودی هیز
می اندازد

درس را رها کند. زیرا درس خواندن دشوار و فشار آن طاقت فرسا بود و او مایل نبود که وودی موضوع را از کس دیگری بشنود. ظرف چند ساعت، وودی سوار بر هواپیما شد و خودش را به شهر و منزل شاگردش رساند. با داد و فریاد به شیوه خاص خودش، رگباری از اندرز را بر سر او باراند و اجازه نداد که این جوان، خانواده خود را ناامید سازد. حرف هایش که تمام شد، بدون آن که منتظر پاسخی شود، خارج شد و با اولین پرواز برگشت. مرد جوان در دانشکده ماند و به تحصیل خود ادامه داد.^۲

این مربی بزرگ و نامدار دنیا که خواندن خاطر ازش، همه رفتارهای دهداری را برای ما تداعی می کند، به اصولی معتقد بود که حتی برای لحظه ای حاضر نشد دست از آن ها بکشد. از میان این اصول می توان به طور خاص به چهار این مورد اشاره کرد:

۱. شوق به پیروزی: با امید به پیروزی وارد میدان

۳. دست کم نگرفتن و تحقیر نکردن دیگران: از وودی نقل مشهوری است که او نیز از بزرگی شنیده بود که: اگر با آدم‌ها مثل سرباز در بازی شطرنج و دوک در بازی بولینگ رفتار کنی، خود نیز همانند آن‌ها رنج خواهی برد. کسانی که با مرحوم دهداری داد و ستد یا نشست و برخاستی داشتند، نقل می‌کنند که او بزرگی خود را در بزرگی دیگران، به ویژه شاگردان جوانش می‌دید. گاهی اوقات، با صرف ساعت‌ها وقت تلاش می‌کرد تا بازیکنان، از خود شناخت کافی به دست آورند. شاید او نیز در این کار به دنبال تکامل هرچه بیشتر خود بوده است؛ چون این فلسفه مریبان زنده دل است که: هر چه بیشتر بدی، در مقابل بیشتر می‌گیری.

۴. مغرور نشدن: در تفسیر این واژه گفته‌اند: قدرت ما از ضعف‌هایمان برمی‌آید. خشم و عصبانیتی که با نیروهای مخفی در آغوش ما نهفته‌اند، بیدار نمی‌شوند مگر با درد کشیدن، رنجیدن و شدیداً مورد حمله قرار گرفتن.

از وودی مربی بزرگ عالم ورزش نقل کرده‌اند: «من بعد از هر باختی، نکات زیادی را برای بازیکنانم گوشزد می‌کردم و به آن‌ها متذکر می‌شدم، باید هوشیار بود و بدانچه به دست آمده است، زیاد بها نداد، غره نشد و همه قدرت را برای خود نگه نداشت؛ چون این حس قدرتمندی به سرعت فساد می‌آورد.»

و به این سخن مراد خود استناد می‌کرد که: «انسان وقتی روی میل امتیازات لم می‌دهد خوابش می‌برد. اما وقتی تحت فشار قرار گیرد، رنج بکشد یا شکست بخورد، آن‌گاه فرصت پیدا می‌کند چیزی یاد بگیرد و از هوش و عقلش و از انسان بودنش استفاده کند.»^۲

دهداری در گذر عمر، پخته‌تر شد و در کنار تأکیدی که بر همه ارزش‌های انسانی و اخلاقی در میدان‌های فوتبال داشته، طعم تلخ نامرادی‌ها و رفتارهای زیون دسته‌ای، گاه‌گاه روح ظریف او را می‌آزارد. ولی او با هدف والایی که داشت، همه آن‌ها را صبورانه تحمل کرد و از دیگران نیز می‌خواهد، برخوردهای سنجیده را از سوی هر کس



مسابقه شدن، به تلاش کردن معنا می‌بخشد و اشتیاق حاصل از آن، ذخیره زندگی فردی و اجتماعی تک‌تک اعضای تیم می‌شود. رقیب را سرسخت شمردن و القای ناتوانی به خود در غلبه بر حریفان، بیش‌تر از ناکامی در میدان اصلی ورزش، ناامیدی می‌آورد. به همین دلیل، وودی معتقد بود: «اشتیاق مربی به بردن، باید کاملاً مشهود و جدی باشد.»

۲. رفاه همگانی: مربی باید توجه فراوان و مستمری به رفاه و پیشرفت همه‌جانبه تک‌تک بازیکنان خود داشته باشد. از مرحوم دهداری نقل است که با هرگونه تبعیض مادی و معنوی در مورد بازیکنانش مخالف بود، در عین حال که کوشش می‌کرد، همه بازیکنانش زندگی سعادتمندی داشته باشند.

قدرت دمیدن روح
خود باوری و از
دست ندادن
تعادل در شرایط
گونگون از
ویژگی‌های مریبان
شاخص ورزش
دنیا بوده است



که باشد، به ویژه روزنامه نگاران و خیرنگاران خودخواه، تحمل کند تا در این سختی مبارزه، طعم لذتبخش اهدا کردن و بخشیدن را بچشند. او خود به اعجاز اعتقادی نداشت، ولی گاهی چنان در حوادث، دقیق و سنجیده عمل می کرد که علاوه بر آرام کردن محیط، باعث تقویت عزت نفس دیگران می شد. به جد، او روان شناس خارق العاده ای بود.

توانایی های مثبتش در اداره امور، او را فردی شاخص و مدیری دلسوز ساخته بود. به همین دلیل، رفتارهای مدیریت آگاهانه او باعث شد، حواشی کار بر اصل کار او اثر نگذارد. قاطعیت و جدیت در کنار انعطاف پذیری،

او به دیگران یاد می داد همواره تصویری مثبت از خود ارائه دهند و در ناملايمات، پس از کند و کاو دقیق آن ها، سرانجام با انرژی مثبتی با دیگران روبه رو شوند. تغییر رفتارهای ناهنجار و نشان دادن رفتارهای قابل قبول در اوج گرفتاری ها، از ویژگی های بارز او بود و شاگردانش نیز به این موضوع پی برده بودند. به همین دلیل، در عین شوق به پیروزی در میدان فوتبال و تلاش برای کسب آن، هیچ باختی باعث نمی شد، انرژی مثبت او و شاگردانش تحلیل رود و حتی برای مدتی کار، تمرین، درس و تحصیل را رها کنند. بعد از هر مسابقه یا تمرین فوتبال، صرف نظر از پیامدهایش، کار بعدی با جدیت و برنامه ریزی دنبال می شد. از این رو، به خاطر هدف های ارزشمندش ناهمواری های راه برایش آسان می شد و بر اثر صلابت و استواری در تصمیم گیری، همواره کوهی از مشکلات به دست او به کاهی تبدیل می شد. شاید این روحیه سنجیده او در برابر حوادث، از همان آیه الهی منشأ گرفته است که فرمود: «فاستقم كما امرت»

از میان آنچه نقل کرده اند، شاید بتوان این ویژگی ها را که از اصول قطعی کار مریگیری در ورزش است و به تمامی در وجود هداری به تکامل رسیده و به آن ها پایبند بود، دید:

۱. تصویر مثبت، شخصیت جذاب و پایبندی به اصول
 خلاقیت، اشتیاق، رقابت جویی، عزم و اراده، شخصیت توانمند و پایبندی به اصول، از جمله ویژگی های مرییان خلاق است که از مهارت های

مدیریتی خوبی نیز برخوردارند.

۲. مهارت ارتباطی

در تبیین مهارت های ارتباطی که از برجستگی کار

شخصیت او را جذاب تر کرده بود و همگان رفتار او را ملاک عمل خود قرار می دادند. شاگردانش نقل کرده اند: «کم تر صحبت می کرد، ولی با همان مقدار کم، کلامش بسیار نافذ بود.»



مهارت های
 ارتباطی یعنی
 بیان درست
 مسائل و بیان
 مسائل درست،
 در زمان مناسب
 و به شیوه
 مناسب

مربیان بزرگ دنیا است، گفته اند: مهارت های ارتباطی یعنی بیان درست مسائل و بیان مسائل درست، در زمان مناسب و به شیوه مناسب.

۳. سرسختی و قاطعیت ذهنی و فکری برای پایداری و جبران مافات

گفته اند که «مربیان مدیر» را در زمان حوادث و خطرهای جدی می توان شناخت. ورزش از جمله پدیده هایی است که با وجود انبوه اطلاعات درباره آن، هنوز نمی توان همه حوادثی را که در آینده بناست در آن رخ دهد، پیش بینی کرد. بنابراین، برخورداری از هوش آتی بالا، می تواند یاری رسان مربیان در حوادث پیش بینی نشده باشد. به کمک آن می توان با کم ترین خسارت، بهترین تصمیم را اتخاذ کرد.

۴. دست کم نگرتن نقش مربی

در زمان خوشی و وسعت یا به هنگام تنگناها و دشواری ها، مربی می تواند با استحکام، پایداری و ثبات رأی خود نتایج کار را کاملاً تحت تأثیر قرار دهد.

۵. شناخت محدودیت های خویش و خود بودن

مربیان بزرگ از توانایی ها (مزایا) و معایب خود کاملاً مطلع بوده اند. مربیانی که تظاهر به بزرگ بودن کرده اند و استعداد و توانایی خود یا شاگردانشان را پررنگ تر و نقش دیگران را کم رنگ تر گرفته اند، بی احترامی به خود را موجب شده اند. به همین دلیل، از وودی نقل کرده اند که: «انسان باید بداند چه می تواند بکند و باید خودش باشد.»

۶. آماده سازی (پیش بینی کردن امور)

آماده سازی شامل پیش بینی است. این امر انسان را در برابر هر نوع حادثه غیر مترقبه ای بیمه می کند و برای این گونه حوادث، تصمیم های صحیح و به جا از پیش اتخاذ می کند. این آماده سازی، آرامش و هماهنگی مربی و تیم را سست نمی کند.

۷. اعتماد به نفس

قدرت دمیدن روح خود باوری و از دست ندادن تعادل در شرایط گوناگون از ویژگی های مربیان شاخص ورزش

دنیا بوده است. چنین مربیانی همواره در گوش شاگردان خود زمزمه کرده اند: «در جنگ ها اسلحه پیروز نمی شود، بلکه این انسان ها هستند که جنگ را می برند.» در واقع، این روحیه رده تحت امر و روحیه فرمانده است که به پیروزی می انجامد.

۸. در دسترس بودن و قابل رویت بودن

مربیان بزرگ، تنها در زمان تمرینات و مسابقات با بازیکنان خود نبوده اند، بلکه چنانچه پیش از این نیز گفته شد، با آن ها زندگی می کرده اند و با آن ها به کلاس رفته و بر درس و تحصیل آن ها نظارت داشته اند. آن ها در همه حال در خدمت اعضای گروه خود بوده اند.

۹. توانایی ایجاد تعامل بین افراد

خودمحوری بلای کار جمعی شمرده شده است. هر کس برای ارتباط با دیگران باید تا حدودی که به اصول انسانی و اخلاقی لطمه نزند، به تعدیل رفتارهای شخصی خود بپردازد. در این راه، مربیان بزرگ با تقویت ویژگی های مثبت اعضای گروه، تعدیل و در مواقع لزوم حتی تقبیح رفتار نکوهیده اعضای ناهمگن، به یکپارچگی گروه بسیار کمک کرده اند. برخورداری از این توانایی، به از خود گذشتگی فراوان نیاز دارد.

۱۰. دست کم نگرتن قدرت روحی افراد

شناخت، تحسین و تمجید توانایی های دیگران و تشویق به کارگیری آن ها، رمز عبور از گردنه های سخت مبارزه در همه زمینه ها است. شیوه دهداری هنوز در قالب اصول مربیگری تعریف نشده و سبک های رهبری وی در میدان ورزشی به خوبی شناسایی نشده اند. تازه این آغاز راه است و برپایی این همایش را باید اولین گام دانست. پیام جاوید وی را می توان در شعر زیر خلاصه کرد:

نامی از خویش در جهان بگذار

زندگانی برای مردن نیست.

زیر نویس

۱. والتون، گری. فراتر از پیروزی. ترجمه دکتر رحمت الله صدیق. کمیته ملی المپیک. ۱۳۷۹.
۲. همان.
۳. همان.

شناخت، تحسین و تمجید توانایی های دیگران و تشویق به کارگیری آن ها، رمز عبور از گردنه های سخت مبارزه در همه زمینه ها است



شماره

۲۹ زمستان ۸۳